

اتحاد وسیع؛ آن نیست که من و همفکرانم با هم متحد شویم.
هنر آنست که بتوان از جبهه مقابل برای این اتحاد نیرو گرفت
برای اعلام مخالفت با سیاست جنگی - اتمی حاکم

حتی اگر یک "بانگ" بتوان در مجلس داشت، نباید آن را از کف داد

انتشار شماره ۱۶۶ راه توده (دوره اینترنتی) همزمان شد با سالگرد انقلاب ضد استبدادی ۱۳۵۷ و همچنین، اوج گیری نبرد تنگاتنگ بر سر انتخابات مجلس هشتم و مقابله و مقاومت در برابر تبدیل شدن این مجلس، به مجلس تائید کننده سیاست جنگی- اتمی حاکم. راه توده، از یکماه پیش در سلسله سرمقاله های خود به استقبال این انتخابات رفت و بارها تاکید کرد که هر رویداد سیاسی در جمهوری اسلامی، اکنون متأثر از این سیاست است. همانگونه که روی کار آوردن احمدی نژاد و شعارها و جنجال آفرینی هایش از دل این سیاست برخاست، برگماری ها و انتصابات جدید نظامی و مانورهای جنگی و نمایش های موشکی ادامه این سیاست است، انتخابات مجلس هشتم نیز نمی تواند در ادامه این سیاست نباشد. طراحان و مدافعان این سیاست، مجلس هشتم را مجلسی تابع و تائید کننده تصمیمات خود می خواهند. تا شکست این سیاست برای توده مردم آشکار نشده و علیه آن خیز برندارند، نمی توان انتظار عقب نشینی طراحان آن و ایجاد تحولات در حاکمیت را انتظار داشت. اما این بدان معنی نیست که در انتظار آن لحظه، همه سنگرها را ترک کرده و در اختیار طراحان و تائید کنندگان این سیاست بگذارند. نگرانی بزرگ آنست که این شکست هزینه هائی بزرگ و تاریخی را برای ایران و ایرانی به همراه آورد. باید کوشید از این هزینه ها کاست، اما این کوشش ابتدا بستگی به شناخت عمیق خود ما و همه سیاسیون و مبارزان سیاسی از ریشه تصمیمات حکومت- از جمله تلاش برای تشکیل مجلسی تابع و مطیع- دارد و سپس بهره گیری از هر تریبون و امکانی برای انتقال آگاهی خود به مردم. حتی اگر تریبون، تک صداهائی در مجلس هشتم باشد. تردید نیست که باید کوشید شمار این صداها بیشتر باشد، اما حتی اگر یک صدا را هم بتوان بعنوان تریبونی برای بیان موضعی مخالف سیاست کنونی حاکمیت در اختیار داشت، باید آن را در اختیار گرفت. بویژه برای دورانی که یک صدا، باندازه یک فراکسیون و حتی باندازه یک مجلس بازتاب دارد.

همانگونه که کابینه یکدست احمدی نژاد به چند دست ترین کابینه طول عمر جمهوری اسلامی تبدیل شد، مجلس امام زمانی هفتم به مجلسی چند دست و چند فراکسیونی تبدیل شد، ما یقین داریم که مجلس هشتم نیز، علیرغم همه مهره چینی هائی که برای آن کرده اند، سرنوشتی متفاوت با مجلس هفتم و دولت احمدی نژاد نخواهد داشت. آینده نشان خواهد داد که با آغاز آشکارتر شدن شکست سیاست جنگی- اتمی حاکم، از میان نمایندگان مجلس آینده نیز فراکسیون هائی شکل خواهد گرفت که عملاً سخن، بیان و مواضع شان، با مواضع کنونی کسانی که رد صلاحیت شده اند همخوانی خواهد داشت. تمام مسئله در درک این نکته نهفته است که هر تحولی در حاکمیت ها، نه تابع خواست و تمایل حکومت ها، بلکه متأثر از تحولات اجتماعی، شکست ها، بحران ها و اراده جنبش مردم است. بنابراین، آنجا که باید بزرگترین سرمایه را گذاشت، جنبش مردم است و این ممکن نمی شود مگر با تجربه خود مردم و آگاه ساختن آنها و همراه بودن با آنها.

حتی در آخرین و تابع ترین مجلس شاهنشاهی، ما دیدیم که وقتی جنبش انقلابی در جامعه به حرکت در آمد، ابتدا بانگ مخالفت با دولت و سیاست های آن و سپس زمزمه انتقاد از دربار شاهنشاهی - کودتائی در همان مجلس شه فرموده بلند شد. امثال بنی احمد، نماینده تبریز در

همان مجلس شاهنشاهی بانگ برداشتند. می خواهیم با صراحت بگوئیم که دستچین شدگان شورای نگهبان و کانون قدرت و هدایت کنندگان و طراحان سیاست جنگی - اتمی برای مجلس هشتم، هرگز قابل مقایسه با دستچین شدگان دربار شاهنشاهی در مجلس شه فرموده نخواهند بود. اکثریت آنها نه وطن فروش خواهند بود و نه جیره بگیر. آنها را برای دفاع از سیاست های حاکم به مجلس می برند و چه کسی می تواند تضمین بدهد که از میان همین جمع دستچین شده، هنگام آشکار شدن شکست سیاست حاکم، علیه آن در همان مجلس هشتم بانگ برنخواهند داشت؟ سخن درباره آن اقلیتی نیست که جانیانی نظیر علی فلاحیان برای تشکیل سازمان امنیت داخلی مجلس و تبدیل مجلس هشتم به سنگر دفاع از خویش در آن جای دارند، بلکه از اکثریت سخن می گوئیم.

بنابراین، باید در پی آن چاره و سیاستی بود که نامش وسیع ترین اتحاد، در عمل است، پیش از آنکه اتحاد منسجم و روی کاغذ باشد و در یک کنفرانس مطبوعاتی اعلام شود. در همین اتحاد عمل های نانوخته، اما الزامی است که اتحادهای بزرگ در آینده شکل گرفته و انسجام خواهد یافت. چرا نباید برای رفتن به سوی این الزام و اجبار تاریخی مبارزه اجتماعی به اتحادی اندیشید و در جهت آن گام برداشت که بخشی از مجلس آینده و کسانی که کانون قدرت به مجلس می فرستد را در بر می گیرد؟

هنر سیاسی این نیست که من و دوستان همفکر و هم کیسه اقتصادی ام با هم متحد شویم. این اتحاد که هنر چندانی نمی خواهد. هنر بزرگ آنست که ما بتوانیم از اردوگاه مقابل برای اتحاد وسیع نیرو بگیریم. اتفاقاً، مرور اخبار و رویدادهای مجلس هشتم و موضع گیری های ماه های اخیر برخی افراد اردوگاه مقابل - حتی اگر رقابت های سیاسی و یا تفاوت نگرش های سیاسی - اجرائی باشد - نشان میدهد که چنین زمینه ای در عمل وجود دارد. باید دست ها را از آستین بیرون آورد، از سد "من" عبور کرد و دست آنها را نیز در دست های خود گرفت! این کار نه تنها عملی است، بلکه برای تحولات آینده اجباری و ضروری است. این مشی و منش توده ای است و بر مبنای همین مشی، پیرامون این اتحاد برای مجلس هشتم با صراحت بیشتر تا پیش از برگزاری انتخابات اعلام موضع خواهیم کرد.

نگاه از زاویه ای دیگر

حال، از زاویه دیگری نیز به انتخابات مجلس هشتم نگاه کنیم. این نگاه نیز ضروری است تا بدانیم چنین انتخاباتی نشانه قدرت حاکمیت است یا ضعف آن؟

۱- برگزاری این انتخابات به آن شکل مفتضحانه ای که پیش می برند نه نشانه قدرت حکومت بلکه نشان ضعف آشکار آنست. اگر حکومت خود را در قدرت احساس می کرد و اعتماد به نفس داشت ابایی هم نداشت از اینکه انتخاباتی مشابه دوم خرداد ۷۶ برگزار کند و توان آن را هم داشته باشد که ۸ سال دولت و مجلس را فلج نگه دارد.

۲ - این ضعف ناشی از شکست سیاست جنگی اتمی هم در عرصه جهانی و هم در عرصه داخلی است. در عرصه جهانی دو راه بیشتر باقی نیست یا عقب نشینی و یا رویاوری و هر دو به معنای شکست این سیاست است. در عرصه داخلی نیز شکست های پی در پی احمدی نژاد در حل مسایل اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و غیره موجب نارضایتی شدید مردم شده است که به شکل روی آوردن به اصلاح طلبان و حتی جناح هایی از راست که از او فاصله می گیرند خود را نشان می دهد. همین امر است که حکومت را ناگزیر از برگزاری انتخابات با چنین وضعی کرده است.

۳- در این شرایط مسئله اصلی حفظ امید و چشم انداز تحول در میان مردم است. سیاست تحریم به معنای اعلام آن است که همه چیز تمام شده و راهی برای تغییر و تحول باقی نمانده است. ایجاد این ناامیدی از تحول سه پیامد می تواند داشته باشد:

الف - مردم با ناامیدی از ایجاد تحول به شکل مسالمت آمیز- از جمله انتخابات- به سراغ دیگر اشکال مبارزه برای سرنگون کردن کل نظام خواهند رفت. گزینه ای که در حال حاضر کم احتمال ترین حالت است.

ب - به امید اینکه نیرویی از خارج تحول را انجام دهد می نشینند.

پ - با ناامیدی از تحول، می روند به سمت پذیرش قدر قدرتی حکومت و تسلیم به وضع موجود و سازش با آن. که در این حالت سعی خواهند کرد با آن گروهی که قدرتمندتر است کنار بیایند. این احتمال سوم در واقع فعلا می تواند بیشترین احتمال را داشته باشد، چرا که هنوز دوران رکود و عقب نشینی جنبش پشت سر گذاشته نشده است.

۴- آنچه قطعی است، این است که نه تنها با برگزاری این انتخابات هیچ چیز پایان نمی یابد، بلکه همه چیز از نو شروع می شود. و این "همه چیز" یعنی آگاهی بیشتر مردم از ریشه های بحران حکومتی و پشت سر ماندن دوران رکود و عقب نشینی.

شکست ناگزیر سیاست جنگی - اتمی مدام و مدام تضاد و شکاف را درون جناح راست و حتی حامیان احمدی نژاد بیشتر خواهد کرد. تمام هنر آگاهان سیاسی حاضر در صحنه درک عمیق این مسئله و آماده شدن برای دوران آشکار شدن هرچه بیشتر این شکست حکومتی است. شکستی که همراه با آن، روزنه های تحول به دروازه های عبور جنبش، برای رسیدن به شاهراه دگرگونی ساختار کنونی نظام خواهد انجامید. هنر بزرگ و هوشیاری تاریخی سیاسی در توان همراهی و هدایت مردم تا رسیدن به این دروازه نهفته است. تا رسیدن به این دوران باید از شکاف ها، تضادها و رقابت های درون حکومتی و بویژه طیفی که سیاست جنگی - اتمی را پیش می برد استفاده کرد و در صحنه ماند. نه تنها در صحنه ماند، بلکه فرصت به فرصت به مردم نشان داد و حتی تفهیم کرد که تمام ستیز و نبردی که در حاکمیت و پیرامون آن جریان دارد و تمام بحران اقتصادی و سیاسی، ناشی از آن سیاست های اقتصادی و نظامی است که حکومت درباره آن سخن نمی گوید و حتی اذهان را می فریبد تا به آن نزدیک نشوند و مخالفان هنوز جسارت بیان صریح و بی پرده آن را، خطاب به مردم ندارند!

گذرگاهی که در آن قرار داریم و نامش انتخابات مجلس هشتم است، از جمله گذرگاه هائی است که باید آن را با بهره گیری از تضادها، رقابت ها و...ئی که شاهدش هستیم پشت سر گذاشت تا به دروازه بزرگ رسید. اشتباه بزرگ، کنار کشیدن و رها ساختن میلیون ها مردمی است که بهر دلیل و انگیزه ای در انتخابات شرکت می کنند. نباید از دو کفه ترازوی انتخابات، کفه تحریم و کناره گیری را سنگین کرد، درعین حال که آشکار است شمار بیشتری به نسبت سالهای گذشته، نا امید و خسته از شرایط حاکم بر کشور ممکن است در انتخابات شرکت نکنند. پا به پای مردمی که حضور در انتخابات هنوز نشانه سیاسی بودن و فعال بودن آنهاست باید جلو رفت و درعین حال نتایج فاجعه بار سیاست جنگی- اتمی را نیز گوشزد کرد.